

آنچه بر سر فوتبال ما آمد



علیرضا اشرف: فوتبالی که در مستطیل سبزش، سرخ آتش هیاهو و ناهنجاری موج می‌زند، آینده سیاهی دارد. تا بوده در ورزش ایران بزرگان اخلاق مدار حضور داشته‌اند و در هر برهه‌ای یک یا چند نفر «معلم اخلاق» بوده‌اند. از عباس اکرمی‌بزرگ و امیرمسعود برومند گرفته تا پرویز دهداری و محراب شاهرخی و جدیدتر ناصر حجازی و حسین فرکی و دیدگرانی که بودند و هستند، اخلاق را به فوتبال اولویت داده‌اند. هر چه پیش می‌رویم اما نسل معلم‌های اخلاق رو به فقرراض است و آنچه می‌ماند فقط هیاهو، جنجال، حاشیبه و بداخلاقی است. فوتبال گذشته ایران مثل چمن‌های ورزشگاه‌هایش سبز بود. فوتبالیست بی‌ادی اگر بود خیلی زود در حجم لطیفی و اتمسفر اخلاق مدار آن روزگار محو می‌شد. فوتبال ورزش بزرگان بود، بزرگانی که از جوانی بزرگ بودند چون شعارشان اول اخلاق دوم ورزش بود. هرچه در تاریخ فوتبال ایران بیشتر جست‌وجو کنیم و در زمان عقب‌تر برویم، بیشتر انسان‌های فرهیخته و بااخلاق پیدا می‌کنیم. فراوانی اینگونه فوتبالیست‌ها روزبه‌روز کمتر شده و حالا کار به‌جایی رسیده که آنکه اخلاق دارد، خانقشین است و آن که اخلاق دارد و توانسته در خانه نماند، عذاب می‌کشد. در چند سال اخیر که لیگ فوتبال ایران نام حرفه‌ای گرفته چند مربی بااخلاق از دور خارج شده‌اند؟ مثل همایون شاهرخی‌ها و حمید علی‌دوستی‌ها چرا دیگر نیستند؟ فوتبال ایران این روزها فقیر است، پول دارد اما فقیر است. تنگدستی و تهی‌دستی فوتبال ایران با پول حل نمی‌شود چرا که فقرش فرهنگی است. فوتبالیست‌ها جوان امروز نمی‌دانند یا نمی‌خواهد بدانند که اصل اخلاق و فرهنگ است نه شوت محکم و تکل بلند. آن قدیم‌ترها اگر فوتبالیستی جواب سرمربی و همبازی یا حتی رقیبش را می‌داد، هیاهو بلند می‌شد یک جواب نه توهین و افترا آن همه جنجال به یا می‌کرد و آقای حاضر جواب کم کم یا پشیمان و نامد عذرخواهی می‌کرد یا می‌رفت که می‌رفت. امروز همین که فوتبالیست‌ها در هر تکل یا تانه حتی با هم درگیر نمی‌شوند و به هم سیلی نمی‌زنند باید خدا را شکر کرد.فوتبال سبز قدیم این روزها صورتش سرخ است. سرخی‌اش به قول اخوان ثالث، «یادگار سیلی سرد زمستان» اخلاق است. هر بار هر نفر در زمین چمن دشمنام می‌دهند، صورت فوتبال از شرم گل می‌اندازد. دیگر چیزی نمانده فوتبال ایران از شرم جان دهد. فوتبالیست معروف پیش چشم میلیون‌ها نفر کلای می‌را از هدانش خارج کرده که با هیچ معیاری نمی‌گنجد. نه فقط او که ده‌ها و بلکه صدها فوتبالیست دیگر اعم از نامدار و گمنام همین شیوه را دنبال می‌کنند. دشنام دادن شده مهر شناسنامه آنها و انگار اگر روزی فحش ندهند زبان شان لال می‌شود. روی سکو‌ها هم اوضاع بهتر که نیست، بدتر هم هست. تأسفاًآورترین صحنه فوتبال ایران تصویر مردی بود که با ۲ دست گوش‌های پسر کوچکش را گرفته بود تا دلبندش فحش‌های ریمتیک هواداران را نشنود. ده‌ها هزار نفر به راحتی آب خوردن و بی خیال ادب و فرهنگ، اخلاق، فضای ورزشگاه‌ها را – قاعدتا جای مقدسی است – با زشت‌ترین کلام آلوده می‌کنند. بوی گندبذگی اخلاق فوتبالیست‌ها و فوتبالیدوست‌های ایرانی مدتی است بلند شده ولی کسی حواسش نیست. این میان اندک فوتبالیست‌های بااخلاق و انگشت‌شمار هواداران بافرهنگ گمند و صدایشان به جایی نمی‌رسد. تاسفبارتر اینکه در هیاهوی دشنام‌گویی‌ها و «اخلاق‌کشان» فوتبال ایران حتی مرگ هادی نوروزی جوان و بااخلاق هم این عده را بیدار نکرد. گویی تمه اخلاق هم با مرگ نوروزی‌ها در حال محو شدن است.ادبیات لمپنی، واژگان سخیف و بی‌ادی، پرخالشگری، عصبیت و عصبانیت، هشتاد می‌دهند که روزی شاید فوتبال، «سیاه‌ترین» تفریح ایرانیان شود. آن روز دیگر هیچ پدري فرزندان را به ورزشگاه نمی‌برد، هیچ کاتال تلویزیونی فوتبال داخلی پخش نمی‌کند، هیچ روزنامه‌های تیتیر یک خود را به حرف‌های مربی و فوتبالیست اختصاص نمی‌دهد و اسنادیو‌ها خلوت‌ترین مکان‌های شهر می‌شوند. فوتبال سبز دپروز، امروز از شرم بی‌اخلاقی‌ها سرخ شده و با این روند، می‌رود که رویش سیاه شود. اکنون وقت بیدار شدن از خواب خرگوشی است. هواداران، فوتبالیست‌ها، مربیان، «معلم‌های اخلاق» و رسانه‌ها هر یک در این بیداری مقدس نقش خواهند داشت.

مهدی طاهر‌خانی: فوتبسال و جامعه فصال آن، برشی از جامعه هستند که می‌شود خیلی از سنت‌ها و باورها را به شکلی منسجم در آنجا دید. وقتی بحث مدگرایی مطرح می‌شود دیدن چهره فوتبالیست‌های یک کشور به خوبی نشان می‌دهد چه خطی از مد در آن کشور دنبال می‌شود. در ایران هم موضوع به همین منوال است. اگرچه فوتبال به‌عنوان یک رشته وارداتی حدود ۸۰ سال قبل توسط ملوانان انگلیسی از جنوب ایران وارد این مرز و بوم شد اما همانند خیلی از کالاهای دیگر ما آن را بومی‌سازی کردیم و حالا زیرین‌ترین لایه‌های عقیدتی و مذهبی‌مان در همین فوتبال و بازیکنانش دیده می‌شود. بازیکنان و مربیان فراوانی را در همین فوتبال خودمان داریم که علاوه بر حضور فعال در عذارای‌های ماه محرم، خود از خادمان و مداحان دستگاه اباعبدالله به شمار می‌روند. از آنجا که خاستگاه اکثر فوتبالیست‌های ما از طبقه‌های پایین جامعه است اما باورها‌های مذهبی بسیار محکمی در این رشته دیده می‌شود. شاید قبل از پیروزی انقلاب با توجه به فضای آن روز جامعه، کمتر به این موضوع پرداخته می‌شد اما حالا با توجه به تغییر فرهنگ جامعه، حضور پررنگ‌تری از جامعه فوتبال را در عذارای‌های محرم می‌بینیم. در ادامه به سرشناس‌ترین چهره‌های فوتبالی می‌پردازیم که حضور پررنگی در مراسم عذارای دارند.

■ فرهاد کاظمی و اولویتش در قرارداد

بچه جوادیه تهران یک عادت خاص در بستن قرارداد با تیم‌های فوتبال دارد. فرهاد کاظمی که یکی از معروف‌ترین هیات‌های عذارای در منطقه جوادیسه تهران را اداره می‌کند اهل مداحی هم هست. از این رو خودش عنوان می‌کند وقتی قرار باشد با تیمی غیرتهرانی قرارداد ببندم حتما در آن ذکر می‌کنم که ۱۰ شب اول ماه محرم باید حتما در تهران باشم و اجازه نمی‌دهم مربیگری خللی به این موضوع وارد کند. او مدعی شد اگر لازم باشد هر روز پس از پایان تمرین تیم با یوایم‌ها به تهران می‌آیم و صبح روز بعد دوباره به شهر می‌میربگری می‌کنم بازمی‌گردم. شهبازی رینبیه جوادیه جایی است که دایی فرهاد (لقبی که دوستانش در فوتبال به او دادند) سرشناس‌ترین چهره‌اش است و به واسطه حضور او هر شب محرم می‌توانید افراد سرشناس جامعه ورزش و هنر را ببینید که به آنجا می‌آیند. کاظمی که حتی مدتی در خارج از ایران زندگی می‌کرد، گفت: آن زمان که آمریکا بودم هم کارهایم را طوری برنامه‌ریزی می‌کردم که حتما ۱۰ روز نخست ماه محرم در جوادیه باشم. او دلیل اصلی این همه ارادت را لطفی می‌داند که از سوی ائمه به او شده تا در مربیگری فرد موفقی باشد.

■ قلعهنویی و هیات سیدالشهدای نازی‌آباد

برخلاف فرهاد کاظمی، امیر قلعهنویی مداحی نمی‌کند اما یکی از مربیان بسبیلار فعال ایرانی در ماه محرم است البته محل اصلی عذارای او هیات

از علی پروین تا فرهاد کاظمی و امیر قلعه‌نویی

فوتبالی‌ها کجا عذارای می‌کنند؟



سیدالشهدای نازی‌آباد است که خودش چندی پیش عنوان کرده بود خیلی سال قبل به همراه چند تن از بچه‌محل‌هایش آنجا را تالسیس کرد و حالا به واسطه حضور قلعهنویی در این هیات دوستان سرشناس او به آنجا می‌آیند. داریوش ارجمند یکی از افرادی است که حضوری همیشگی در هیات محله امیر قلعهنویی دارد البته مسجد هادیون واقع در میدان شوش هم از دیگر جاهایی است که گهگاه سرمربی سابق استقلال در آنجا رویت شده است. یکی از نزدیکان قلعهنویی می‌گوید چون می‌ترسد این کارها به حساب ریا گذاشته شود در اکثر مواقع کمک‌های بسیار زیادی را به هیات می‌کند اما می‌گوید دیگران این پول را به او دادند تا خرج دستگاه امام حسین شود. این روزها که او

تیمی را در دست ندارد حضور بسیار پررنگی در هیات محله‌شان دارد؛ تنها کلفی است به اینستاگرام محمد هوتن، تنها پسرش سر بزئید تا جدیدترین عکس‌های او و پدرش را در حال عذارای ببینید.

■ **پروین و حضورش در هیات محبان مهدی**
«طُرُش علی پروین در ایام سسوگوار ی اباعبدالله تنها در دو جا قابل رویت است.اگر خودش نذر داشته باشد مراسمش را در حسینیه خانه‌اش که در زیرزمین بنا کرده، هر روز سینه‌شینه نداشته است. به‌خلاف می‌توانید مهم‌ترین و سرشناس‌ترین افراد ورزشی ایران را در هیات سلطان ببینید. او همیشه سعی می‌کند در این مورد زیاد مصاحبه نکند اما عاشق مداحی حاج‌منصور ارضی است و در اکثر مواقع اگر مداحی در حسینیه‌اش نباشد این صدای حاج‌منصور است که از دستگاه پخش می‌شود اما هیات محبان مهدی(عج) واقع در طرُش‌ت پاتوق اصلی پروین به حساب می‌آید. مهدی عرب

همان فردی که همیشه در عکس‌ها کنار پروین دیده می‌شود بان ی این هیات به شمار می‌رود و حضور پروین در طرُش موجب می‌شود خیلی از قدیمی‌های فوتبال ایران از جمله کلانی و بهزادی به طرُش بیایند. به گفته مهدی عرب، پروین بدون استننا هر ۱۰ شب محرم را خرج می‌دهد و برایش مهم نیست این نذری در لواسان پخش شود یا هیات طرُش.

■ **غلام پیروانی و رازی که در شیراز ماندگارش کرد**
در این‌سب زرمه غلام پیروانی داستان متفاوتی نسبت به بقیه دارد. شاید باورش سخت باشد اما سرمربی سابق فجر سیاسی چند سال قبل در مصاحبه معروفی که با یکی از سایت‌ها داشت عنوان کرد: پدرم مداح بود و من از بچگی در دستگاه امام حسین بزرگ شدم. موقعیت‌های فراوانی را برای ترک شیراز به دست آوردم اما مر محوم پدرم به من نصیحت کرد تو باید تا آخر عمرت در شیراز بمانی و غلامی امام حسین و عزاراناش را بکنی. به خاطر همین نصیحت بود که پیروانی برخلاف دو برادر معروف دیگرش سال‌هاست در شیراز مانده و کمتر کسی در ایران است که از مداحی او بی‌خبر باشد. هیات امام حسن مجتبی(ع) همان هیاتی است که غلام همیشه در آنجا حضور دارد و همانند فرهاد کاظمی خودش مداح اصلی هیات است. به خاطر حضور او افراد سرشناس استان فارس و شهر شیراز را می‌شود در هیات پیروانی پیدا کرد. یک جست‌وجوی ساده در گوگل ده‌ها فیلم مداحی پیروانی را به شما نشان می‌دهد.

■ **محمد دادگان و هیاتی که از پدر به او رسید**
پدر محمد دادگان موسس هیات محبان‌الزهرا است و بانی آن به حساب می‌آید.هیات محبان‌الزهرا

پشت‌پرده خبری که سایت باشگاه استقلال آن را حذف کرد

شیطنت رسانه‌ای و عصبانیت برهانی

بارید بهداد: چندی پیش سایت باشگاه استقلال در حرکتی عجیب یک تکذیبی درباره مصاحبه برهانی روی خروجی‌اش گذاشت اما ناگهان خودش آن را تکذیب کرد! کمتر کسی در انتها متوجه شد چرا سایت اصلی باشگاه باید خبر تکذیبی که مصاحبه را بلافاصله از روی سایتش بردارد؟ همه چیز از دادگاه امیر قلعهنویی و جواد نکونام آغاز شد. از بین جامعه خبرنگاران تنها خبرنگار یک سایت از این موضوع مطلع بود از این رو خودش را به محل دادگاه رساند و با دیدن برهانی که از قضا این دو یکدیگر را به خوبی می‌شناسند



هر زمان کادر فنی به او نیاز داشته، توانسته عصای دست استقلال‌ی‌ها باشد در تمرینات حضور منظمی دارد تا بتواند این روزها در نقش جدید خود که الگو سپس مدعی شد می‌خواهد بین قلعهنویی و کاپیتان سابق تیم‌ملی وساطت کند که با نایمن قلعهنویی و تنها حضور موکلش این برنامه به هم خورد اما اتفاق دوم زمانی رخ داد که خبرنگار فوق برای پوشش بهتر خبر، آن را همزمان با چند خبرنگاری سرشناس و رسمی‌مخابه کرد. به همین علت بود که حضور برهانی در دادگاه که در اصل نقش شاهد نکونام را داشت و نه راننده و آشتی دهنده، مثل بمب در دنیای مجازی پیچید. اما صبح روز دوشنبه سایت باشگاه استقلال با هجوم به همه سایت‌هایی که مصاحبه برهانی را کر کرده بودند مدعی شد که آن صحبت‌ها فضایی بوده و حتی سایت باشگاه حق شکایت را برای کلاما سفارشی را برای راضی کردن مهاجم شماره ۹۱ ی‌ها کار کنند.

در نقد فیفا و اتفاقاتش

فساد تاریخه

رسوایی و فساد در فیفا امکان‌پذیر است چون طرفداران فوتبال نمی‌خواهند چیزی در مورد آن بدانند. سب بلاتر و میشل پلاتینی به طور موقت از ریاست فیفا و یوفا محروم شدند و تنها راه‌حل باقی‌مانده برای فدراسیون جهانی فوتبال، ریاست کسی است که متعلق به این سازمان نباشد. راس فیفا فاسد شده و فدراسیون جهانی فوتبال در دریایی از رسوایی و بخشش غرق شده است. سب بلاتر رئیس فیفا، میشل پلاتینی، رئیس یوفا و ژرمنی والکه، نایب‌رئیس پیشین فیفا، ۳ فرد قرت‌مند در اداره دنیای فوتبال به دلیل رشوه به طور موقت از هر گونه فعالیت مرتبط با این ورزش محروم شدند. پلاتینی و چونگ مونگ‌جون درحالی نامزد ریاست فیفا شدند که بلاتر در سال جاری از سمت خود بازنشسته خواهد شد. انتظار می‌رفت هر دو از نامزد شدن انصراف دهند اما هفته گذشته اعضای فیفا حمایت خود را از پلاتینی در این ارتباط اعلام کردند. نمی‌توان به رئیس موقت فیفا یعنی «عبسی حیاتو» نیز اعتماد چندانی داشت. آ یا او نفر بعدی است که رسوایی‌اش اعلام خواهد شد؟ اگر این اتفاق بیفتد، تعجب‌برانگیز نیست. در انتخابات اخیر ریاست فیفا، حیاتو به بلاتر رای داد. او در این‌باره گفت: او صادق‌ترین فرد در اطراف من است. چیزی که واضح است، رئیس بعدی فیفا باید فردی باشد که به این سازمان تعلق نداشته باشد. کسی که سمتی عالی در فیفا نداشته باشد. فدراسیون جهانی فوتبال در سال‌های اخیر، همیشه فردی از سازمان خود را بر این مسند نشانده است البته بهتر است گفته شود چند دهه است که انتخاب رئیس فیفا به همین منوال است. از زمانی که «وانو هالواتز» برزیلی از سال ۱۹۷۴، ریاست فیفا را برعهده گرفت و بلاتر در کنار او به‌عنوان مدیر اجرایی از سال ۱۹۸۱ کار خود را آغاز کرد نیز اینچنینی بوده است. حکومت سالنخورده فیفا از جامعه مدرن و دموکراتیک فاصله دارد و همچون آفریقای‌ها و افرادی از آمریکای لاتین، حکومت استبدادی را در پیش گرفته است. اعضای فیفا کسی را از بین نبرده‌اند اما همچون کوتوله‌های سوء‌استفاده‌گر در حال تفریح هستند. همچنین لیونل مسی و خاویر ماسکرانو کسی را نکشته‌اند اما مالیات اسپانیا را دور زده‌اند. هر دو بازیکن بارسلونا به همراه مدیر برنامه‌ایشان می‌خواهند خود را بالاتر از قانون نشان بدهند. تعجب‌برانگیز است که آنها، تنها کسانی هستند که در راس فوتبال حرفه‌ای دست به چنین کاری زده و تخلف می‌کنند. آنها همچون مدیران دستگیر شده فیفا و مورد تحقیق قرار گرفته FBI، تنها کسانی هستند که به نزدیکین پول‌ها مشغول هستند مطمئن هستیم زمانی که جک وارنر، نیکولاس لئوز و دیگر دستیارانش در ماه مه دستگیر و محروم شدند، بلاتر از ترس به خود می‌لرزید. خیلی دیگر از بازیکنان باشگاه‌های بزرگ در همین شرایط به سر می‌برند. همچنین مدیر برنامه‌های فوتبالیست‌ها، مربیان و مدیران دیگر باشگاه‌ها هر لحظه از افشای تخلف خود ترس دارند.

رسانه، درباره افشای این رسوایی‌ها مسؤولیت دارد و ترسی ندارد که از لحاظ قانونی برایش مشکلی ایجاد شده یا اینکه منابع خبری خوب خود را از دست بدهد. رسانه همچنین با جامعه بزرگ فوتبالی روبه‌رو است که بدون آگاهی، در پنهان کردن این رسوایی‌ها نقش دارد. متحدانی که در جهان فوتبال حضور دارند، نمی‌خواهند مردم از کارهایی که می‌کنند خبر داشته باشند. طرفدار فوتبال بودن یعنی بازگشت به سرزمین کودکی، سرزرمینی معصوم که فعالیت‌های عقلانی روزانه در آن معنایی ندارند و هیچ‌گونه مسؤولیت‌پذیری در آن دیده نمی‌شود. زمانی که ما از رسوایی افراد حاکم خبردار می‌شویم، گویی نبود «بابائوتل» یا «سه پادشاه محوس» را کشف کرده‌اند. اغلب دوستداران فوتبال و روزنامه‌نگاران ترجیح می‌دهند دنیایی رویایی بسازند که در آن، قهرمانان ما بیرون از زمین از شخصیت بالا و خوبی برخوردارند. برای همین نه به هیچ دلیل دیگری، سال‌هاست قهرمانان ما از این موضوع سوء‌استفاده کرده‌اند.

■ **بلاتر و پلاتینی تا ۵ سال محروم می‌شوند**
یک سایت آمریکایی از احتمال افزایش یافتن محرومیت سب بلاتر و میشل پلاتینی از ۹۰ روز به ۵ سال خبر داد. روسای فیفا و یوفا به دلیل آنچه فساد مالی خوانده می‌شود، محرومیت و تعلیقی ۹۰ روزه را تجویز می‌کنند. کمیته اخلاق فیفا میشل پلاتینی را متهم کرده‌که در سال ۲۰۱۱ مبلغی به ارزش یک‌میلیون و ۳۵۰ هزار پوند طی توافقی که از سوی بلاتر «آقامنشانه» خوانده شده را از وی دریافت کرده است. اس‌بی‌نیشن گزارش داده محرومیتی ۵ ساله در انتظار این دو عضو ارشد فیفاست و این موضوع چندان بعید به نظر نمی‌رسد البته طبق اعلام این سایت دو عضو بلندپایه فیفا پس از صدور حکم محرومیت ۵ ساله، به دادگاه عالی دآوری در ورزش (CAS) مراجعه خواهند کرد.